در دوران کرونا حمایتی از سالن های خصوصی نشد

گفت وگو با حسام حصاری، کارگردان نمایش «مراسم قطع دست در اسپوکن» و مدیر تماشاخانه «خورشید»

شکیبا افخمی راد

گفت و گو

«مراسم قطع دست در اسپوکن» از مشهورترین و جذاب ترین نمایشنامه های نوشته شده در دهه های اخیر محسوب می شود که توسط مارتین مک دونا، نمایشنامه نویس، فیلم نامه نویس و فیلمساز ایرلندی-بریتانیایی، به نگارش درآمده است. اثری در ژانر کمدی سیاه که نخستین بار سال ۲۰۱۰ در کشور آمریکا به روی صحنه رفت و با استقبال بی نظیری روبه رو شد. در این نمایشنامه، ماجرای مردی به نام کارمایکل را می خوانیم که برای یافتن دست خود که به وسیله گروهی بزهکار در نوجوانی قطع شده است، با چند جوان خرده خلافکار درگیر چالش هایی خشونت آمیز می شود. حسام حصاری این روزها نمایش «مراسم قطع دست در اسپوکن» را در هتل پارس مشهد به روی صحنه برده است. در این کار احسان کیقبادی به عنوان تهیه کننده و علیرضا ضیاچمنی، بهادر اورعی، مهدی فرخنده، آرمان صفری، صبا صفار به عنوان بازیگر حصاری را همراهی کرده اند. با حصاری که خود از تماشاخانه داران مشهد است درباره نمایش «مراسم قطع دست در اسپوکن» که تا پایان هفته روی صحنه خواهد بود و وضعیت تماشاخانه ها گفت وگو کرده ایم که در ادامه می خوانید.









چه شد که تصمیم گرفتید اثری از مارتین مک دونا را روی صحنه ببرید؟

سبک و سیاق تمام نمایشنامه ها و فیلم های مک دونا و فضای گونه ای از کمدی است که همیشه برای من جذاب بوده است، از این رو هم تصمیم گرفتم نمایشنامه «مراسم قطع دست در اسپوکن» را روی صحنه ببرم.

تصمیمی که به پیش از همه گیری کرونا برمی گردد. آن زمان با گروه دیگری تولید نمایش را شروع کرده بودیم که با دوران قرنطینه روبه رو شدیم و کار را تعطیل کردیم. با بهبود وضعیت شیوع کرونا دوباره کار را آغاز کردیم و بعد از آزمون بازیگری گرفتن از افراد مختلفی در نهایت به گروه فعلی بازیگران نمایش رسیدم.

چقدر در روایت داستانتان به متن نمایشنامه «مراسم قطع دست در اسپوکن» وفادار بودید؟

تمام سعی من بر این بود که نوشته مک دونا به هیچ عنوان تغییر نکند. حتی از میان دو ترجمه متفاوتی که از نمایشنامه «مراسم قطع دست در اسپوکن» وجود دارد، آن ترجمه ای را که بهتر بود انتخاب کردیم و همیشه هم سعی کردیم تا جایی که امکان پذیر بود در طول اجرا به دیالوگ ها و صحنه هایی که مک دونا مدنظرش است وفادار باشیم.

برخی معتقدند که نمایشنامه های خارجی را باید با جامعه ایران تطبیق داد، به نظر می رسد شما در کارتان چنین باوری نداشتید.

من به هیچ عنوان اعتقادی به این ماجرا ندارم که مثلا نمایشنامه هایی مانند «مرد بالشی» یا «مراسم قطع دست در اسپوکن» را ایرانی کنم و من همیشه وفادار به متن و سبک نمایشنامه هستم. چون آن مضمون نگاه جهانی خود را دارد.

تماشاخانه ها حدود سه سال است که وضعیت خوبی را پشت سر نمی گذارند. دو سال که به طور کامل تعطیل بودند، از آن هایی هم که الان مشغول فعالیت هستند حمایت خاصی نمی شود

اصلی ترین ویژگی نمایش «مراسم قطع دست در اسپوکن» که می تواند مخاطب را با خود همراه کند چه چیزی است؟

آثار مک دونا تماشاگران خاص خودش را دارد و اجرای آن ها هم در ایران واقعا سخت است. در واقع روی صحنه بردن این دست از نمایشنامه هایی که در ژانر کمدی سیاه هستند لبه تیغی است، چون ممکن است کار سمت و سوی لودگی پیدا کند، یعنی اگر موقعیت کمدی که در نمایشنامه وجود دارد به درستی ایجاد نشود، به طور قطع کارگردان و بازیگر و درکل نمایش به جایی پرت می شود که به هیچ عنوان مدنظر این سبک و مارتین مک دونا نیست. به همین علت هم من احساس می کنم روبه روشدن با این سبک از آثار و در نهایت درست درآمدن کار بسیار سخت است. در هر حال ما تمام سعی مان را کردیم تا در کارگردانی، بازیگری و طراحی های نمایش این اتفاق بیفتد و اثر خوبی پیش روی مخاطب قرار بگیرد، اما تماشاگران باید درباره این پرسش و اینکه ما تا چه میزان موفق بوده ایم، نظر بدهند.

اینکه بسیاری از مخاطبان این روزها با ژانر کمدی سیاه بیگانه اند و از کمدی های سطحی استقبال می کنند، برای شما نگران کننده نبود؟

من قبول دارم که سطح سلیقه مخاطب ما در حوزه آثار کمدی بسیار پایین آمده که تأسف بار است و شاید اصلا هدف برخی این باشد که سلیقه مخاطب در همین حد باقی بماند یا حتی از این نازل تر هم بشود، اما می شود سطح سلیقه مردم را با روی صحنه بردن آثار قوی بهبود بخشید. ما هم سعی کردیم تا کار سطحی را روی صحنه نبریم.

شما با توجه به این که شرایط اجرا در تماشاخانه های شهر را داشتید، اما «مراسم قطع دست در اسپوکن» را در هتل روی صحنه بردید. این سالن برای اجرای نمایش استاندارد است؟

سالن به لحاظ آکوستیک صدا و جایگاه سن برای دید مخاطب از وضعیت خوبی برخوردار است، اما مشکل نور دارد و در سقفش باید جایگاه نور و نورپردازی درست شود، البته ما سعی کردیم تا حدودی این مشکل را برای کار خودمان برطرف کنیم.

الان وضعیت تماشاخانه های مشهد را چطور می بینید؟

تماشاخانه ها حدود سه سال است که وضعیت خوبی را پشت سر نمی گذارند. دو سال که به طور کامل تعطیل بودند، از آن هایی هم که الان مشغول فعالیت هستند حمایت خاصی نمی شود. از این رو ممکن است تماشاخانه هایی باشند که در خطر تعطیلی قرار گرفته اند، اما ما تلاش کردیم فعلا چراغ تماشاخانه مان را روشن نگه داریم.

یعنی طی همه گیری کرونا هیچ حمایتی از تماشاخانه ها نشده است؟

نه اصلا.

تئاتر مشهد بعد از تعطیلی های چند وقت اخیر این روزها بسیار فعال شده است طوری که شاهد روی صحنه رفتن چندین نمایش مختلف به صورت هم زمان در تماشاخانه ها هستیم، اما عده ای معتقدند که در این بین کیفیت فدای کمیت شده است. نظر شما در این باره چیست؟

من وضعیت این روزهای تئاتر مشهد را بد نمی بینم، درهرحال اینکه به تعداد تماشاگران این شهر اضافه شود، به طور قطع اتفاق خیلی خوبی است، اما ما هم باید سعی کنیم کارهای خوب و با کیفیتی را روی صحنه ببریم.

آیا در نظر دارید نمایش «مراسم قطع دست در اسپوکن» را در جشنواره های مختلف یا شهرهای دیگری روی صحنه ببرید؟

به دنبال حضور در جشنواره ها و اجرا در شهری دیگر هستیم که برنامه ریزی هایش درحال انجام است.

خبر

تشکیل شورای نگارخانه های مشهد

در جلسه هم اندیشی مدیر کل فرهنگ و ارشاد اسلامی خراسان رضوی با مدیران نگارخانه های مشهد، مقرر شد که شورای نگارخانه های مشهد تشکیل شود. محمد حسین زاده در نشست هم اندیشی و تبادل نظر با مدیران نگارخانه های مشهد گفت: نگارخانه محل تأمل و تفکر و مکانی است که اندیشه در قالب آثار تجسمی و هنری به نمایش در می آید. در نگارخانه ها امکان گفت وگو و مصاحبت مخاطبان و هنردوستان با صاحبان آثار فراهم شده و فرصتی برای تبادل اندیشه و مباحثه نخبگان ایجاد می شود. بر اساس گزارش روابط عمومی اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی خراسان رضوی، حسین زاده ضمن تأکید بر لزوم ایجاد رقابت سالم و سازنده میان اقشار مختلف هنری به منظور ایجاد مزیت های جمعی تصریح کرد: خرید آثار هنری از سوی زائران، یک فرصت و مزیت برای شکوفایی اقتصاد محصولات به نمایش درآمده هنرمندان در نگارخانه ها است.

نبرد طراحی فرم و شکل گیری محتوا

نقدی فرمالیستی بر نمایش «موطِن» اثری از مهسا ستوده نژاد به بهانه اجراهایش در مشهد

امیر عبداللهی

نقد تئاتر

«موطِن» نمایشی است بر پایه تئاتر فیزیکال که زبان آن به جای دیالوگ، مبتنی بر فرم حرکتی و سکوت است. «موطن» در زبان آلمانی به معنای دهان است که این تضاد بین دهان و سکوت آرایشی است که شاکله اصلی این اثر را تشکیل می دهد. یکی از بزرگ ترین چالش هایی که در تئاتر فیزیکال در کشورمان داریم، چالش ارتباط با مخاطب است. به این خاطر که ما در تئاتر فیزیکال متأسفانه پیشینه تئاتری قدرتمندی نداریم. در تئاتر کلاسیک و سنتی و نمایش های ایرانی مبتنی بر کلام و اجراهای تک گویی و دستگاه های آوازی، شکل های مختلف اجرایی داریم؛ از نقالی و پرده خوانی و تعزیه گرفته تا رو حوضی. اما هیچ کدام از این ها تنه به تنه تئاتر فیزیکال نمی زنند. همین موضوع باعث شده پیشینه قوی نمایش فیزیکال ایرانی نداشته باشیم و به همین دلیل است که گروه های نمایشی را معمولا به سمت الگوپذیری از تئاترهای فیزیکال بین المللی می برد و چون نمی توانند به موضوع «ارتباط» با مخاطب بپردازند، آثارشان یا کپی هایی از تئاترهای اروپایی، آمریکایی و شرقی مثل چین و ژاپن می شود یا شکل و شمایل خاصی می گیرد که نه مخاطب ایرانی می تواند با آن ارتباط برقرار کند و نه حتی کپی شکیل و خوبی از نمونه اصلی است.

ابتدا بررسی کنیم که «موطن» چه می خواهد بگوید؟ این پرسش به ظاهر ساده کلیت برهان به وجود آمدن این نمایش است. در اینجا ما با اثری طرف هستیم که می خواهد سودای انسان ها در گستره زمان را نشان دهد. طغیان بشر در برابر پروردگار خودش و رسوخ شیطان در قالب طاغوت در بعضی از انسان ها.

در اینجا سؤالی دیگر به وجود می آید، که چرا ما اثری خلق نکنیم که خیلی ساده و رو راست این مطلب را با داستانی ساده و عادی و با دیالوگ بیان کند؟ واقعا چه نیازی به نمایش فیزیکال اجرا کردن است! این همه دکور و سالن و رفت و آمد و ترافیک و گریم و کارگردان و این ها برای چیست؟

به نظرم خالق این نمایش، دلیل آنکه ترجیح می دهد در قالب یک نمایش فیزیکال آن را بیان کند، این است که تأثیر بیشتری بر مخاطبش بگذارد و به گونه ای بازبان هنر کاری کند که مخاطب بدون آنکه حوصله اش سر برود روی صندلی بنشیند و با دیدن نمایش به صورت غیرمستقیم و ناخودآگاه یعنی بدون آنکه سعی کند درباره موضوع نمایش (هر چه می خواهد باشد) فکر کند و به مفهوم و اهمیت آن پی ببرد. در این صورت می توان گفت که کارگردان در اجرای نمایش خود موفق بوده است.

«موطن» تمام تلاشش را می کند تا به این اصول پایبند بماند اما در بیشتر زمان های نمایش این خط روایی را از دست داده است. یعنی تلاش می کند که مفهوم را منتقل کند اما از این غافل می ماند تماشاگری که در مقابلش نشسته است مخاطبی عام و بدون پیش زمینه ذهنی است. پس در این انتقال شکست می خورد و مخاطب به جای آنکه ذهنش مالامال از مفاهیم نمایشی باشد، سردرگم در پی کشف معانی حرکات فرم و سکوت بازیگران نمایش است. این ابهام در مخاطب سبب می شود که آن چیزی که به خاطر آن این اثر را خلق کرده ایم که کشف حقیقت جهان نمایش است، کارکردش را از دست بدهد و فاصله زیادی بین تماشاگر و نمایش ایجاد شود. در بحث طراحی فرم حرکتی، هر حرکت بدن می تواند یک مفهوم خاص داشته باشد. در واقع هر عضوی از بدن باید طوری به حرکت درآورده شود که آن حرکت، بار معنایی نمایشی در ذهن مخاطب ایجاد کند. هیچ حرکتی نباید صرفا مکانیکی و از سر بازکنی انجام شود و کوچک ترین حرکات هم باید توجیه نمایشی داشته باشد. به نظر می رسد هر حرکت را می توان به سه شکل توجیه کرد، با نشان دادن، با عمل کردن یا با یک اتفاق درونی. کارگردان در این گونه آثار باید بازیگر را به آن احساس سرشار شدن و سرریز کردن و جاری شدن که در یک حرکت درست وجود دارد برساند، بدون آنکه بدنش مزاحمتی برای آن بازیگر ایجاد کند. به همین دلایل، یکی دیگر از معضلات نمایش، طراحی نادرست حرکات فرم و به اجرا درآمدن آن از سوی بازیگران است. با اینکه بازیگران تمام توان خود را از ابتدا تا انتها به کار می گیرند، اما طراحی های نادرست حرکتی و هدایت ناصحیح کارگردان به این اثر لطمه ای بزرگ وارد کرده است. این مشکل در به کارگیری آکسسوار صحنه، میزانسن ها و استفاده از رنگ و نور نیز به چشم می خورد.



عکس: مرجان حسین زاده





با این اوصاف مخاطب، مفهومی از طراحی صحنه مثل نقاشی انتهای صحنه و آیینه ای که پشت آن به کار گرفته شده است را کشف نمی کند و پس از پایان نمایش با انبوهی از سؤالات در ذهنش روبه رو می شود که هیچ توجیهی برای آن ندارد. این بدان معنا نیست که باید هر مخاطب برداشتی خاص خودش را از نمایش داشته باشد، که اگر کارگردان با این توجیه دست به طراحی هایش زده است دچار اشتباهی بزرگ شده است. در تئاتر فرم باید یک مفهوم کلی ثابت شکل بگیرد و کارگردان آن قدر تبحر، دانش و آگاهی درباره آن داشته باشد که بتواند با طراحی حرکات، آن مفهوم را به بهترین شکل پیش روی مخاطبش بگذارد که در این نمایش چالش های بزرگی درباره این فرم و محتوا وجود دارد.

«موطن» درست است که در اولین اثر کارگردانش در ساخت مفهوم مدنظرش قدرتمند ظاهر نمی شود اما، دست بردن به ساخت چنین اثری با این ساختار نمایشی خطرپذیری زیادی می طلبد که شاید هر کارگردان با تجربه ای هم جرئت ساخت آن را نداشته باشد چه برسد به اینکه این نمایش اولین اثر آن کارگردان باشد.

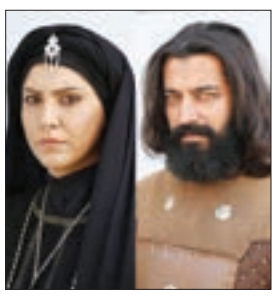
اخبار هنری مشهد

نمایش نقاشی «مجازی» در «مومهر»



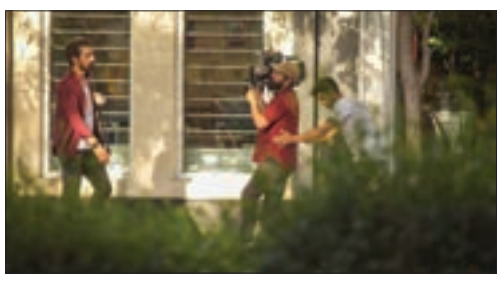
نمایشگاه گروهی نقاشی رنگ روغن با عنوان «مجازی» از ۳ تا ۵ مرداد امسال، ساعت ۱۷ تا ۲۱ در نگارخانه «مومهر» برگزار خواهد شد.

فیلم برداری «عشق کوفی» با کارگردان مشهدی



فیلم برداری مجموعه تلویزیونی «عشق کوفی»، به کارگردانی حسن آخوندپور، فیلم ساز مشهدی و تهیه کنندگی سعید سعدی در ۱۴ قسمت آغاز شد. «عشق کوفی» قرار است روایتگر یک عشق در کوفه سال ۶۱ هجری قمری باشد و ماجرای آن تا واقعه کربلا و شهادت سیدالشهدا(ع) ادامه پیدا کند. شبنم قربانی و سعید شریف، دو بازیگر اصلی این مجموعه هستند. این مجموعه تلویزیونی، از محصولات جدید سازمان هنری رسانه ای اوج است و در شهرک غزالی ضبط آن آغاز شد.

صدور پروانه نمایش «دوار» با هنرنمایی بازیگران مشهدی



هم زمان با دریافت پروانه نمایش، تیزر فیلم سینمایی «دوار» به نویسندگی و کارگردانی میثم حسن زاده رونمایی شد. میلاد خزاعی، مهسا اکبرپور، راحیل کافی، رضا سنایی، مصطفی امیری، بازیگران این فیلم سینمایی هستند. میثم حسن زاده فارغ التحصیل کارگردانی از دانشگاه هنر و معماری است و پیش تر با کارگردانی نمایش «برولادیمیر و استراگون چه گذشت؟» نامزد چندین جایزه در سیزدهمین جشنواره دانشجویی و جشنواره فجر شد.

خوانش ۱۴ نامه در جشنواره «بامداد»



نمایش نامه های راه یافته به بخش نمایش نامه خوانی جشنواره ادبیات نمایشی بامداد معرفی شدند. به گزارش شهرآرا، در این رویداد، نمایش نامه های «سر به راه» (الهه پژوهی)، «نذر این خواب تعبیر بشه» (مهدی دل دار)، «مرگ در می زند» (سلیمان پورمند)، «K عروسی» (حجت اعرابی)، «سه شنبه، ساعت هشت شب» (سیما عباس زاده)، «شب، گربه، زیر طاقی» (رضا فلاح)، «جنگ نمکی» (عباس شکروی)، «دوستت دارم با صدای آهسته» (تیارا خرم دل)، «دهانی پر از کلاغ» (ایمان رضابنی فاطمی)، «این بچه» (نیلوفر طبائی)، «مونس» (هانیه عدالتیان)، «مادر ایکاس» (امیرحسین خطیبیان)، «منم آرش» (محمدحسین باقریان قناد) و «خواب رنگی» (حمیدرضا اکبری فخرآبادی) در روزهای چهارم و پنجم مرداد در مؤسسه آموزش عالی فردوس خوانش می شوند.

نمایش هنرهای سنتی استان در مشهد



یازدهمین نمایشگاه سراسری صنایع دستی و هنرهای سنتی خراسان رضوی از ۴ تا ۷ مرداد ۱۴۰۱ از ساعت ۱۶ تا ۲۲ در نمایشگاه بین المللی مشهد برگزار می شود.

برگزاری دومین جشنواره عکس خراسان گرد

معاون گردشگری اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی خراسان رضوی گفت: دومین جشنواره عکس خراسان گرد با رویکرد بین المللی برگزار می شود. یوسف بیدخوری بیان کرد: نخستین جشنواره عکس خراسان گرد سال گذشته برگزار شد و با توجه به استقبال عکاسان علاقه مند، برگزاری دومین جشنواره با رویکرد بین المللی در دستور کار این اداره کل قرار گرفته است. وی با بیان اینکه در این جشنواره محدوده جغرافیایی خراسان بزرگ مدنظر است، ادامه داد: علاقه مندان و عکاسان ایرانی و خارجی خواهند توانست با موضوعات آثار و بناهای تاریخی، مذهبی، گردشگری، توریستی، موزه ها، آیین، آداب و رسوم، صنایع دستی و هنرهای سنتی، گردشگری کشاورزی و غذا با تأکید بر آثار و بناهای تاریخی مذهبی، مسیر راه ابریشم و جاده ولایت، تصاویر خود را ارسال کنند. دبیر جشنواره عکس خراسان گرد تصریح کرد: این جشنواره دو بخش ویژه نیز دارد که شامل سبک زندگی رضوی، کاروان ها، گروه های زائر پیاده و کاروان سراهای خراسان بزرگ می شود.